

کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان

تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

گلستان الگوی تازه مشارکت
در صنعت خاویار



۲

کالبدشکافی یک ایده در ترازوی
اجرای مینیمال



۳

ترانزیت ۳۹ میلیون دلاری کالا
از اینچه برون



۳

یادداشت اول

جنگ در آینه زندگی روزمره

فاطمه سراوانی

جنگ، پیش از آنکه در گزارش‌های نظامی و تحلیل‌های سیاسی معنا پیدا کند، در زندگی روزمره مردم خود را نشان می‌دهد؛ در صف نان، در تردید یک خرید ساده، در نگرانی پداری که باید میان هزینه درمان و نیازهای خانه یکی را انتخاب کند. در سطح کلان، جنگ یک رخداد امنیتی است، اما در سطح جامعه به تجربه‌ای زیسته تبدیل می‌شود که زندگی را دگرگون می‌سازد. نخستین اثر جنگ بر زندگی روزمره، برهم خوردن ریتم طبیعی زیستن است. بازارها حتی پیش از آنکه کمبود واقعی رخ دهد، تحت تأثیر اضطراب جمعی قرار می‌گیرند. رفتارهای احتیاطی مردم، خریدهای بیش از نیاز و نگرانی از آینده، به افزایش تقاضا و جهش قیمت‌ها دامن می‌زند. در چنین فضایی، کالاهای اساسی از یک نیاز عادی به دغدغه‌ای دائمی تبدیل می‌شوند؛ دغدغه‌ای که ذهن خانواده‌ها را از آینده‌سازی به مدیریت بقا در لحظه سوق می‌دهد. در لایه‌های عمیق‌تر، جنگ ساختار روابط اجتماعی را نیز دگرگون می‌کند. مهاجرت‌های اجباری یا ناگزیر، پیوندهای محلی را سست می‌سازد. محله‌هایی که بر پایه اعتماد و آشنایی شکل گرفته بودند، به فضاهایی پراکنده و ناپایدار تبدیل می‌شوند. مدارس با جابه‌جایی ناگهانی دانش‌آموزان مواجه‌اند، خددمات شهری زیر فشار جمعیت‌های متغیر قرار می‌گیرد و نظام سلامت با نیازهایی فراتر از ظرفیت معمول روبرو می‌شود. هم‌زمان، روان جمعی جامعه نیز آرام‌آرام تغییر می‌کند. نااطمینانی و اضطراب به بخشی پنهان اما مداوم از زندگی بدل می‌شود. تصمیم‌ها کمتر بر اساس توسعه و آینده‌نگری گرفته می‌شوند و بیشتر بر پایه بقا شکل می‌گیرند. این تغییر تدریجی، اگرچه در لحظه دیده نمی‌شود، اما در بلندمدت سرمایه اجتماعی و انسانی را فرسوده می‌کند. در عرصه اقتصاد نیز، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. کاهش سرمایه‌گذاری، اختلال در حمل‌ونقل و افت قدرت خرید، چرخه‌ای از رکود و بی‌ثباتی ایجاد می‌کند که خروج از آن دشوار و زمان‌بر است. با این حال، زندگی در دل بحران متوقف نمی‌شود. در کنار فشارها و آسیب‌ها، نوعی توان‌سازی نیز شکل می‌گیرد؛ شبکه‌های همیاری تقویت می‌شوند، راه‌های تازه برای ادامه معیشت پیدا می‌شود و جامعه در سطحی پنهان، خود را بازآرایی می‌کند. جنگ در زندگی روزمره فقط روایت فرسایش نیست؛ روایت تاب‌آوری نیز هست. حتی در سخت‌ترین شرایط، امکان بازسازی وجود دارد و همین ظرفیت بازگشت، روزنه‌ای از امید را در دل واقعیت‌های دشوار زنده نگه می‌دارد.

در نشست خبری مدیر کل حفاظت محیط‌زیست گلستان مطرح شد:

کارخانه سیمان پیوند و شبهه کوه‌خواری



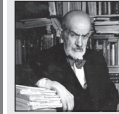
صرفه‌جویی یک تصمیم ساده برای
حفظ آینده

« ۸ »



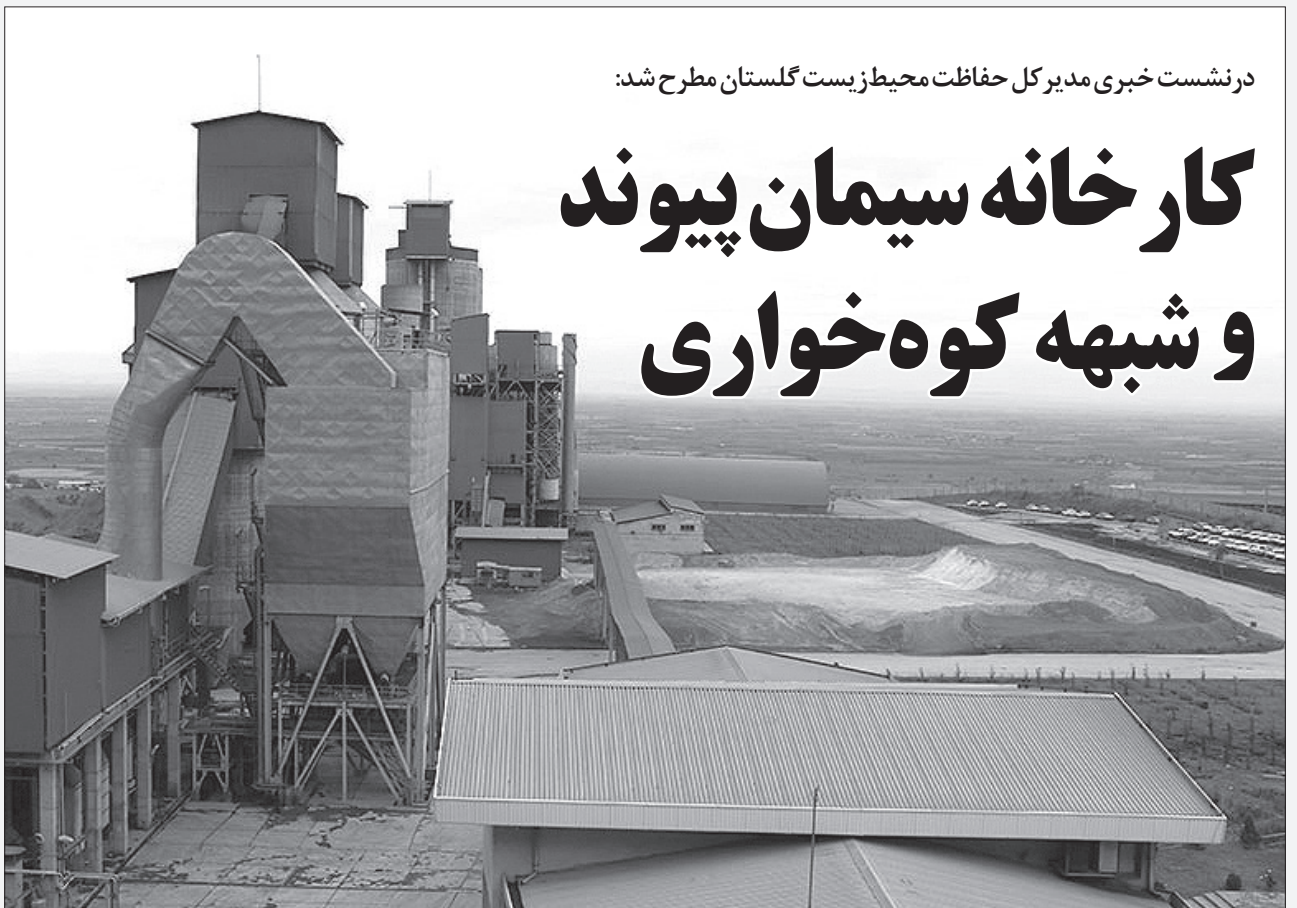
شعر گلستان
«ادبیات»

« ۵ »



سعید نفیسی؛ نویسنده‌ای که روح فرهنگ
ایران را ورق زد

« ۴ »



به آن اختصاص داده شود تا این امر درباره کانسار خزر نیز صورت بگیرد. مدیرکل حفاظت از محیط زیست گلستان درباره وضعیت سرمایه‌گذاری در جزیره آشوراده گفت: یکی از شرکت‌های متقاضی که برای سرمایه‌گذاری در جزیره آشوراده موفق به کسب همه مجوزهای لازم شده بود، بنا به دلایلی از ادامه روند انصراف داد. هم‌اکنون بناست تا از ظرفیت این شرکت در شاکله سرمایه‌گذار جدید استفاده شود که در نتیجه آن، آغاز عملیات اجرایی طبیعت‌گردی در آشوراده یک سال به جلو خواهد افتاد. حسن‌زاده در ادامه خاطرنشان کرد: بر اساس پیش‌بینی‌ها، امکان اسکان حدود ۵۰۰ نفر در واحدهای اقامتی و خانه‌های واقع در آشوراده فراهم خواهد شد. مدیرکل حفاظت از محیط زیست گلستان ضمن اشاره به سرشماری سالانه حیات وحش استان گفت: در آخرین سرشماری حیات وحش گلستان در سال ۱۴۰۴، هزار و ۲۸۹ رأس قوچ و میش، ۴۱۰ رأس آهو و ۷۸۹ قطعه قرقاول در استان به ثبت رسید. همچنین ۱۶۸ گونه پرنده در استان شناسایی و شمارش شدند. وی افزود: هم‌اکنون ۶۷٫۸ درصد از پرندگان، ۳۹٫۷ درصد از پستانداران، ۳۲ درصد از دوزیستان، ۲۳ درصد از خزندگان، و ۲۳٫۶ درصد حشرات و بندپایان کشور در زیستگاه‌های استان گلستان زیست می‌کنند که نشان‌دهنده جایگاه ویژه این استان در حوزه محیط‌زیست کشور است.

قضیه را نبینیم. طبق بررسی‌هایی که در دهه ۹۰ صورت گرفت، متوجه شدیم این کارخانه بیش از ظرفیت مشخص شده برداشت کرده و به همین خاطر جریمه شد. مجوزهای آن نیز در کارگروه‌های مربوطه اصلاح شد. وی خاطرنشان کرد: اخیراً نیز ما با درخواست معدن سنگ آهک این کارخانه مخالفت کردیم. چرا که به اندازه کافی منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. اخیراً نیز این کارخانه مقدار ۶۰ هکتار از مراتع حاشیه‌ای همان منطقه را نهال‌کاری کرده است. در نهایت، جای دارد این خبر خوب را هم بدیهیم که برای اولین بار شاهد این هستیم که یک گلستانی مدیرعامل سیمان این کارخانه به مسائل محیط زیستی استان بی‌توجه نیست. حسن‌زاده درباره تعداد معادن ید استان عنوان کرد: تاکنون ۱۶ مجوز در استان گلستان برای معادن ید صادر شده است. در جلسه شورای برنامه‌ریزی استان مصوب کردند تا وقتی که تکلیف این ۱۶ مورد مشخص نشده، مجوز دیگری صادر نشود. از این ۱۶ مورد، شورا به ۴ مورد دارای گواهی خزر به بهره‌برداری رسیده‌اند. ۴ مورد دارای گواهی کشف و ۱۰ مورد دارای پروانه اکتشاف هستند. وی ادامه داد: این ۱۶ مورد موظفند تمام پسابشان را به عمقی که برداشت می‌کنند، تزریق کنند. در مورد کانسار خزر نیز مصوب شد زمینی از منابع طبیعی

مهران مودنی- مدیرکل حفاظت محیط‌زیست گلستان مدعی شد: شبهه کوه‌خواری کارخانه سیمان پیوند گلستان حقیقت ندارد. قدیر حسن‌زاده، صبح شنبه، ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ در نخستین نشست خبری اداره کل حفاظت از محیط زیست گلستان در سال جاری عنوان کرد: متأسفانه از دهه ۷۰ یا ۸۰ که کارخانه سیمان پیوند که مجوز گرفت، معادن بهره‌برداری آن منظرگاه‌های طبیعی را تحت تأثیر قرار داده است. از این جهت هم که کنار جاده هم واقع شده، ممکن است شبهه کوه‌خواری را ایجاد کند، اما در واقع این چنین نیست. وی ادامه داد: این موضوع سبب شده تا ما نکات مثبت این کارخانه را نبینیم. تمام کارخانه‌های سیمان کشور آلودگی ایجاد می‌کنند. اما این کارخانه در بحث فیلترینگ بسیار خوب عمل کرده و جزو صنایع پاک سیمان کشور محسوب می‌شود. حسن‌زاده افزود: سیمان پیوند از این جهت که از گاز طبیعی استفاده می‌کند، هیچ آلودگی مرتبیطی با سوخت گاز ندارد. همچنین آلودگی گرد و غباری هم ندارد. این کارخانه حدود ۴ هزار و ۸۰۰ کیسه فیلتر هوا دارد تا از بروز هرگونه آلودگی جلوگیری کند. از این منظر در حد استانداردهای بین‌المللی است. مدیرکل حفاظت از محیط زیست گلستان درباره تخلف این کارخانه در دهه ۹۰ گفت: البته این موضوع سبب نمی‌شود که ما آن سوی دیگر



معمای تنگه هرمز؛ جنگ، بازدارندگی یا توافق؟



علی میرموسوی

بحران‌های بین‌المللی را می‌توان زلزله‌های سیاسی دانست که نظم بین‌الملل را به لرزه می‌اندازد. آنها همچون زلزله‌های طبیعی از نظر شدت یا درجه ویرانگری و دامنه تفاوت دارند و بسته به میزان این دو، تأثیرگذاری‌شان متفاوت خواهد بود. همان‌طور که از میان‌انبوه زلزله‌هایی که هر سال در جهان رخ می‌دهد، اندکی از آن‌ها خیلی شدید هستند، بحران‌های بین‌المللی شدید و ویرانگر نیز بسیار اندکند. مایکل برچر به همراه گروهی دیگر از پژوهشگران، ۳۹۱ بحران بین‌المللی را از ۱۹۱۸ تا ۲۰۰۲ مورد پژوهش قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نخستین بار در سال ۲۰۰۸ در کتابی با عنوان «زلزله‌های سیاسی بین‌المللی» توسط انتشارات دانشگاه میشیگان منتشر شد. آن‌ها شدت بحران را با شش شاخص اندازه‌گیری کرده‌اند: تعداد بازیگران، ارزش‌های تهدید شده، خشونت، مداخله قدرت‌های بزرگ، اهمیت ژئواستراتژیک و دوره زمانی. آن‌ها با سنجش این شاخص‌ها و درجه بندی آن‌ها از ۰ تا ۱۰، به خوبی نشان داده‌اند که تنها ۳۰ مورد؛ یعنی ۷/۷ درصد از آن‌ها را می‌توان شدید ارزیابی کرد. این ۳۰ مورد درجه‌ای بین ۷ تا ۱۰ داشته‌اند و از میان آن‌ها جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱-۱۹۹۰ با درجه ۱۰ شدیدترین بحران بوده است. بر اساس شاخص‌های برچر، می‌توان استدلال کرد که بحران تنگه هرمز در زمره شدیدترین بحران‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد. این بحران حاصل درگیری درازمدتی است که میان جمهوری اسلامی ایران و دشمنان رقیبان منطقه‌ای آن به ویژه اسرائیل و آمریکا وجود داشته

است. با توجه به پیامدهای این بحران برای ساختار قدرت در منطقه و نظام بین‌الملل و دولت‌ها و دیگر بازیگران درگیر در آن، امید می‌چند که حل آن در کوتاه مدت نیست. از سویی هرچند این بحران با جنگ آغاز شد، ولی حل آن از راه نظامی بسیار دشوار و دور از ذهن به نظر می‌رسد. این پژوهش نشان می‌دهد بحران‌های حاصل از درگیری‌های دراز مدت (protracted conflict)، به شکل قطعی حل‌شدنی نیستند و با دو راهی توافق و بن بست روبرو هستند. بر این اساس بن بست کنونی در بحران تنگه هرمز طبیعی به نظر می‌رسد و خروج از این بن بست از راه توافق ممکن اما به چند دلیل دشوار است. نخست به دلیل نقش و پیامدی که در نظم و ساختار قدرت چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی خواهد داشت. دوم به این دلیل که خواسته‌ها و شرایطی، که طرفین درگیری برای پایان دادن به آن مطرح می‌کنند، سازش‌پذیر نیستند. همچنین سیاست‌های امنیتی تهاجمی اسرائیل در کنار برخی جریان‌های حامی تغییر رژیم در ایران در آمریکا و اسرائیل، توافق را با دست انداز روبرو می‌کند. این وضعیت بحران تنگه هرمز را به دوراهه یا معمای پیچیده تبدیل کرده است. با این حال، تلاطم این بحران نه تنها به سود هیچ‌کدام از طرفین نیست، بلکه پیامدهای جبران‌ناپذیری برای کشورهای منطقه و اقتصاد جهانی دارد. از این رو چاره‌اندیشی برای حل آن ضروری و فوری است. اما چاره چیست؟ آیا می‌توان به دستیابی به توافقی امیدوار بود؟ یا این هالف چنان دور

از دسترس شده که جنگی دیگر را ناگزیر ساخته است؟ چنان که اشاره شد، در نهایت نمی‌توان این بحران را از راه نظامی و جنگ حل کرد. با این حال در هر دو طرف برخی از تاز سرگیری جنگ دفاع و استقبال می‌کنند. آنان امید دارند که یا با وارد آوردن ضربه‌های شدید یا با مقاومت در برابر آن، طرف مقابل را به زانو درآورند و از این راه برتری خود را در مذاکره تثبیت و خواسته‌های خود را بر او تحمیل کنند. عملی شدن این تاز به این بستگی دارد که این گروه دست بالا را در تصمیم‌گیری به دست آورند. همچنان که برخی شواهد نشان می‌دهند موقعیت این گروه به ویژه در آمریکا رو به تقویت است. در این وضعیت تنها چیزی که شانس جنگ را کاهش می‌دهد، برداشتن موانع توافق از راه تعدیل خواسته‌های طرفین است. این کار نیازمند تقویت جریان مخالف جنگ در هر دو طرف و مداخله قدرت‌های میانجیگر است. در این میان چین از جایگاه و نقشی ویژه برخوردار است. در صورتی که پکن بتواند با استفاده از اهرم‌های خود این موانع را از سر راه بردارد، می‌توان خیال خود را از سرگیری جنگ آسان کرد. در غیر این صورت جاه طلبی اسرائیل جناح جنگ طلب را در آمریکا تقویت و بار دیگر جنگ آغاز خواهد شد. در این میان استقبال از این جنگ به امید توان مقاومت در برابر آن ریسک بزرگی خواهد بود.

استاد علوم سیاسی دانشگاه

گلستان الگوی تازه مشارکت در صنعت خاویار



می‌شود و بچه ماهیان تولیدی آماده رهاسازی هستند. وی ادامه داد: استمرار حمایت دولت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی می‌تواند زمینه‌ساز پایداری و توسعه این فعالیت‌ها را در سال‌های آینده فراهم کند. معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان هم اجرای این طرح را نتیجه مستقیم سیاست تفویض اختیار به استان‌ها دانست و گفت: تکثیر ماهی خاویاری قره‌برون در آق‌قلا از طرح‌های ویژه‌ای است که با تصمیم‌گیری استانی و مشارکت بخش خصوصی به مرحله اجرا رسید. عبدالعلی کیان‌مهر افزود: صدور مجوزهای لازم در کوتاه‌ترین زمان ممکن و حذف فرآیندهای طولانی اداری، زمینه حضور سرمایه‌گذار در این حوزه را فراهم کرد. وی این سرمایه‌گذاری را از نمونه‌های کم‌نظیر کشور دانست و اظهار کرد: اعتماد به بخش خصوصی و کاهش بروکراسی اداری می‌تواند به الگویی برای رونق تولید در سایر بخش‌های اقتصادی تبدیل شود. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان نیز با اشاره به نقش منابع آبی در توسعه فعالیت‌های شیلاتی گفت:

مازاد این مرکز انجام شده است، اظهار کرد: مرکز شهید مرجانی علاوه بر نقش مهم در حفظ ذخایر ژنتیکی، می‌تواند به یک مجموعه اقتصادی اثرگذار در توسعه استان تبدیل شود. مدیر اجرایی طرح تکثیر ماهی قره‌برون نیز با تشریح روند اجرای پروژه گفت: در این طرح از روش‌های نوین از جمله سونوگرافی و سزارین برای تکثیر مولدان استفاده شد که نتایج موفقیت‌آمیزی به همراه داشت. آیدین آیرملوی قدیم افزود: این نخستین بار است که تکثیر ماهی خاویاری قره‌برون توسط بخش خصوصی در مرکز شهید مرجانی انجام

در تولید خاویار، همواره مورد توجه برنامه‌های حفاظتی و تکثیری قرار داشته است. مدیرکل شیلات گلستان با اشاره به موفقیت اجرای این طرح گفت: برای نخستین بار در استان، ۵۰۰ هزار قطعه بچه ماهی قره‌برون توسط بخش خصوصی تکثیر شده است. اسماعیل جبجاری افزود: استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در کنار امکانات و زیرساخت‌های موجود مرکز شهید مرجانی می‌تواند زمینه توسعه فعالیت‌های تکثیری و پرورشی ماهیان خاویاری را بیش از گذشته فراهم کند. وی با بیان اینکه برنامه‌ریزی لازم برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های

صنعت خاویار به عنوان یکی از مزیت‌های راهبردی اقتصاد دریامحور، سال‌هاست با چالش‌هایی همچون کاهش ذخایر طبیعی، محدودیت منابع مالی و پیچیدگی‌های اداری در مسیر توسعه روبرو بوده اما تجربه جدید استان گلستان در تکثیر ماهی خاویاری گونه قره‌برون نشان می‌دهد که هم‌افزایی دولت و بخش خصوصی، همراه با تفویض اختیار به استان‌ها و تسهیل فرآیندهای اجرایی، می‌تواند افق تازه‌ای برای رونق این صنعت ارزش‌آفرین و صادرات‌محور ترسیم کند. به گزارش ایرنا، عملیاتی شدن نخستین طرح تکثیر ماهی خاویاری گونه قره‌برون توسط بخش خصوصی در مرکز بازسازی و حفاظت از ذخایر ژنتیکی ماهیان خاویاری شهید مرجانی آق‌قلا، نمونه‌ای از رویکرد جدید دولت چهاردهم در استفاده از ظرفیت‌های مردمی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است که با واگذاری اختیارات بیشتر به استان‌ها، زمینه تصمیم‌گیری سریع‌تر و اجرای طرح‌های اقتصادی را فراهم کرده است. بهره‌برداری از این طرح با حضور دستیار رئیس‌جمهور در امور خاص، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان، مدیران حوزه شیلات، جهادکشاورزی و آب منطقه‌ای، نشان داد که همکاری میان دستگاه‌های اجرایی و سرمایه‌گذاران می‌تواند ظرفیت‌های مغفول مانده مراکز دولتی را به فرصت‌های جدید تولید و اشتغال تبدیل کند. ماهی قره‌برون یکی از ارزشمندترین گونه‌های ماهیان خاویاری دریای خزر محسوب می‌شود که پراکنش اصلی آن در سواحل جنوبی این دریا و رودخانه‌های منتهی به آن است و این گونه به دلیل ارزش بالای اقتصادی و نقش مهم

گلستان همچنین از پشت نوبت بودن ۴۰۰ یتیم و فرزندان طرح محسنین جهت حمایت مالی و معنوی از سوی نیکوکاران و مردم نودوست این استان خبر داد و از نیکوکاران خواست با مراجعه به ادارات کمیته امداد در ۱۴ شهرستان گلستان نسبت به قبول سرپرستی و حمایت مالی و معنوی از فرزندان ایتم و محسنین اقدام کنند. قائمی، مبلغ کمک ماهانه به هر یتیم و فرزندان محسنین را ماهانه و حداقل ۵۰۰ هزار ریال اعلام کرد و گفت: مردم نودوست و نیکوکاران می‌توانند به هر میزان که در توان دارند به فرزندان معنوی خود کمک نقدی و غیرنقدی داشته باشند. وی اضافه کرد: کمک‌های مالی نیکوکاران در طرح‌های اکرام ایتم و محسنین، مستقیم به حساب فرزندان معنوی آنها واریز می‌شود.

قائمی افزود: این تعداد حامیان ایتم و طرح محسنین ماهانه ۱۵۰ میلیارد ریال کمک نقدی و غیرنقدی به فرزندان معنوی و تحت حمایت کمیته امداد گلستان می‌کنند. وی، سرانه دریافتی فعلی هر یتیم در کمیته امداد گلستان را ماهانه یک میلیون و ۱۱۶۰ هزار تومان و در طرح محسنین هر نفر ۶۱۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: این میزان سرانه دریافتی ایتم و محسنین در این استان از میانگین کشوری کمتر است. قائمی اضافه کرد: هم‌اکنون متوسط سرانه دریافتی ایتم در کشور یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و در طرح محسنین هم ۷۲۰ هزار تومان است که باید تلاش‌ها و کمک‌های نیکوکاران و مردم نودوست گلستان برای افزایش دریافتی ایتم و محسنین در این استان بیشتر شود. رئیس اداره اکرام کمیته امداد

۵۴ هزار نیکو کار حامی یتیمان

رئیس اداره اکرام کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) گلستان بیان کرد: حدود ۵۴ هزار نیکوکار از داخل و خارج کشور از ۱۴ هزار و ۷۰۰ یتیم و طرح محسنین (فرزندان خانواده‌های نیازمند) تحت پوشش این نهاد انقلابی حمایت مالی و معنوی می‌کنند. به گزارش روابط عمومی، عابدین

اجراخوانی
مورد عجیب دکتر لومبروزو
نویسنده و کارگردان
علیرضا امیدی



نقش خوانان به ترتیب اجرا: زهرا تبرسانی: صحنه خوان ،
راوی، دستیار لومبروزو / مهدی کاویان: بازجو ، دون کارلتونه ، میکله
ماریا مونته / مهدی کردی: سزار لومبروزو ، جورجیو ، کشیش ، بازجو
هوسن صالحی: کاوالیه ، یوناسرا ، روهافو ، بازجو / حاتم نایج: پائولو ،
سولانزو ، بازجو / زهرا محمدنیا: البچه ، ماربا ، بازجو / صاحب
پوستانی: بنیسو ، فردو ، بازجو / موسیقی (آکاردئون): کیوان سلیمانیان
مقدم دستیار صدا: حسین علینژاد / منشی صحنه: ستاره اسدی
ساخت نیز: آموزشگاه سینمایی هوم پوستر: مهدی کاویان

انجمن سینما جوانی
نمایشنامه خوانی
استاد نامور

نقش خوانان به ترتیب اجرا: زهرا تبرسانی: صحنه خوان ،
راوی، دستیار لومبروزو / مهدی کاویان: بازجو ، دون کارلتونه ، میکله
ماریا مونته / مهدی کردی: سزار لومبروزو ، جورجیو ، کشیش ، بازجو
هوسن صالحی: کاوالیه ، یوناسرا ، روهافو ، بازجو / حاتم نایج: پائولو ،
سولانزو ، بازجو / زهرا محمدنیا: البچه ، ماربا ، بازجو / صاحب
پوستانی: بنیسو ، فردو ، بازجو / موسیقی (آکاردئون): کیوان سلیمانیان
مقدم دستیار صدا: حسین علینژاد / منشی صحنه: ستاره اسدی
ساخت نیز: آموزشگاه سینمایی هوم پوستر: مهدی کاویان

زمان: ۹۱ تا ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ ساعت ۱۷
مکان: گرگان، آفتاب ۱۵ جنب امامزاده نور ، سرای خان



مورد عجیب دکتر لومبروزو

کالبدشکافی یک ایده در ترازی اجرای مینیمال

علی اکبر بخشی

اجراخوانی "مورد عجیب دکتر لومبروزو" به نویسندگی علیرضا امیدی در بوتیک هتل سرای خان گرگان، نه فقط یک رویداد اجرایی کم هزینه، بلکه بیانی‌های فرمی بود (چگونه می‌توان با حداقل امکانات، حداکثر اندیشه را روی صحنه برد؟). علیرضا امیدی با متنی سرشار از ارجاعات بینامتنی (نظیر فیلم‌های پدرخوانده و مورد عجیب دکتر جکیل و آقای هاید) و ساختاری چرخشی (بازجویی اول و آخر با چهره‌های وارونه)، نمایشنامه‌ای نوشته که مخاطب را به سفری میان واقعیت و توهم، عدالت و انتقام، علم و پیش‌داوری می‌برد، اما آنچه این اجراخوانی را بدیع کرد، هم‌نشینی هوشمندانه این جهان پیچیده با فضایی سنتی و صمیمی در حیاطی با حوض و پاشویه بود. نمایشنامه در آغاز و پایان خود، با میزانسنی یکسان و دیالوگ‌هایی تکراری، اما با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای هویت متهم، این پرسش را پیش می‌کشد: چه کسی حق دارد دیگری را مجرم بالفطره بخواند؟ لومبروزو در پایان خود قربانی می‌شود، این اثر نمایشی پرونده‌ای را روی میز می‌گذارد که بیش از یک قرن است همچنان مفتوح مانده، پرونده‌ی نسبت میان جرم، قربانی، جامعه و مسئولیت. گروه با هشت بازیگر شناخته شده‌ی تئاتر گرگان و حدود چهار نقش برای هر یک، توانست جهان شلوغ نمایشنامه از بازجوها و مافیایی‌ها گرفته تا قصاب، کشیش، شاعر و آلیچه را بدون سردرگمی مخاطب روایت کند. تمامی هشت خوانشگر - بازیگر این اثر با وجود حجم بالای جابه‌جایی نقشی، هرگز در اجرا دچار سردرگمی نشدند و این خود گواه توانمندی گروه اجراخوانی بود. اجرا در فضای باز یک بوتیک‌هتل سنتی (سرای خان) ضمن فاصله از تالارهای دولتی انتخاب معناداری بود، این را پس از اتمام اجراخوانی و اندیشه در مفاهیمی که سعی در القای آن داشت می‌توان دریافت، نکته‌ی مهم دیگر در این اجتناب از وابستگی به امکانات دولتی (تالار فخرالدین اسعدی)، حرکتی است که می‌تواند الگویی برای تئاترهای سیار، محیطی و مستقل در گرگان

جانی و دیوانه می‌نماید و در نهایت اعدامش می‌کند. به عبارت دیگر، جامعه هم قربانی می‌سازد، هم جلا، هم قربانی می‌کند و هم خود قربانی می‌شود، نویسنده این را در انتهای نمایشنامه که کاوالیه اعلام می‌کند "همه تجاوزشده‌گان معدوم شوند" یعنی قربانیان باید نابود شوند تا ریشه‌ی شر خشکانده شود به خوبی نشان داده، این نهایت سیاست خودتخریب‌گر است، کشتن بازماندگان خشونت، به نام مبارزه با خشونت. نویسنده با ظرافت نشان می‌دهد که هر کودکی که نادیده گرفته شود، تحقیر گردد یا مورد تعرض قرار گیرد، پتانسیل تبدیل شدن به لومبروزویی دیگر را دارد، نه به دلیل ژن، که به دلیل زخمی که جامعه بر روحش نشانده، و آنگاه جامعه، به جای عذرخواهی، سراغ جرمه‌اش می‌رود. مورد عجیب دکتر لومبروزو در اجراخوانی خود ثابت کرد که متن قوی، بازیگران چندبعدی و فرم هوشمندانه، نیازی به تالارهای مجهز و دکورهای پرهزینه ندارند. تئاتر گرگان تجربه‌ای استثنایی را از سر گذراند، اثری که میتوان گفت هم فنی بود، هم مردمی و هم جهان‌وطنی و مهمتر از همه، آینه‌ای پیش روی جامعه‌ای که هنوز نمی‌خواهد ببیند چگونه خودش هیولاهایش را می‌پروراند.

ترانزیت ۳۹ میلیون دلاری کالا از اینچه‌برون



مدیرکل گمرکات گلستان از ترانزیت ۱۳ هزار تن کالا به ارزش ۳۹ میلیون دلار از طریق گمرک مرزی اینچه‌برون در بازه زمانی اول فروردین تا ۳۱ اردیبهشت امسال خبر داد و اعلام کرد این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از نظر وزنی ۲۷ درصد و از نظر ارزش ارزی ۲۷ درصد رشد داشته است. به گزارش روابط عمومی، شهرداری شهریاری افزود: مرز اینچه‌برون به عنوان یکی از مهم‌ترین مبادی گمرکی استان گلستان، نقش مهمی در ترانزیت کالا و توسعه تجارت با کشورهای همسایه و آسیای میانه ایفا می‌کند و از ظرفیت‌های راهبردی استان در حوزه صادرات غیرنفتی به شمار می‌رود. وی با اشاره به رشد قابل توجه درآمدهای گمرکات استان در دو ماهه نخست امسال گفت: در این مدت مجموع درآمدهای گمرکات گلستان به دوازده و ۵۰۷ میلیارد ریال رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۹۴ درصد افزایش داشته که این رشد بیانگر بهبود فرآیندهای تشریفات گمرکی، افزایش حجم مبادلات

یا حاوی قند و شیرین کننده، یه لوله‌ها و پروفیل عنوان کرد و گفت: این محصولات بیشتر به کشورهای آسیای میانه صادر شده است. وی همچنین درباره واردات از طریق گمرکات گلستان اظهار کرد: در دو ماهه نخست امسال ۱۲ هزار تن کالا به ارزش بیش از ۲۲ میلیون دلار از طریق مبادی گمرکی استان وارد کشور شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته از نظر ارزشی ۱۴ درصد و از نظر وزنی سه درصد رشد داشته است. به گفته شهرداری، مهم‌ترین اقلام وارداتی شامل دستگاه نورد گرم اتوماتیک میلگرد، دانه سویا و مولدهای گازی تولید همزمان برق و گرما بوده که از کشورهای آسیایی و اروپایی وارد شده است. وی در ادامه به جایگاه ویژه اینچه‌برون در تجارت منطقه‌ای اشاره کرد و گفت: بهره‌برداری از راه‌آهن بین المللی قزاقستان-ترکمنستان-ایران و اتصال آن به مرز اینچه‌برون، ظرفیت ترانزیتی این گمرک را به شکل قابل توجهی افزایش داده و خدمات گمرک ریلی را در کنار رویه‌های زمینی فعال کرده است.

چهار درصد کاهش و از نظر وزنی ۶ درصد افزایش داشته است. شهرداری مهم‌ترین اقلام صادراتی استان را پسته، پنیر، نیویان ملامینه، میله‌های آهنی یا فولادی، آب‌های طعم دار

داد و افزود: در مجموع ۱۲۸ هزار تن کالا به ارزش حدود ۵۸ میلیون دلار از گمرکات گلستان صادر شده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته از نظر ارزش دلاری

تجاری و ارتقای بهره‌وری در وصول حقوق و عوارض است. مدیرکل گمرکات گلستان همچنین از صادرات کالاهای غیرنفتی از مبادی گمرکی استان در این بازه زمانی خبر



در این جدال که اندیشه های بیم و گریز
به هر مبارزه ای حرف از اجتناب زدند

سپیده آینه بندان تک سوارانیست
که در تمام بلنای شب رکاب زدند

جواد محمدی خمک
(سکایی سیستانی)
اردیبهشت ۱۴۰۵

بین ملّت آنان که در گریز از خویش
به موج حادثه ها تکیه بر سراب زدند

شامت همه تاریخ را پی افکنند
که در گزینش خود باز بر سراب زدند

شب از بلیه گران شد دوباره با تخدیر
سران واهمه آبی بر اضطراب زدند

صلای عام چو بر فتح آفتاب زدند
تمام مدعیان دیده را به خواب زدند

در انتظار و عطش نسل مانده در تردید
که نسل خیزش در شط خون بر آب زدند

به پای تجربه رسوا شدند آنان که
به چهره های خود از ادعا نقاب زدند

شعر گلستان

به بهانه روز ملی صنایع دستی (۲۰ خرداد)

با نخ و سوزن



محدثه عوض پور، گرگان

مرد چشمان تیزبین دار
زن زبانی برای حرف زدن
«مرد ها حرف را نمی فهمند!»
زن چنین گفت با نخ و سوزن

سوزن از زن کمی جلوتر رفت
سخت تازید روی پیراهن
هر کجا پا گذاشت گل روید
کرد گل رد پای یک سوزن

ترجمان زبان زن می شد
با گل سرخ شاه عباسی
داد می زد قرینگی زیباست
شدم از نابرابری عاصی

نرمی ساقه های اسلیمی
ریخته از زبان آهنی اش
که بین راه راست یعنی عشق
با تمام خطوط منحنی اش

سوزن از زن گرفت سبقت تا
برسد زودتر به اصل هنر
بکشد یک گل ختایی را
بعد از اولین خطای بشر

توی انگشت زن فرو می رفت
مثل نیش زنانه در دل مرد
تا بگوید حواستان پرت است
زندگی نیست غیر عشق و نبرد

بعد سروی خمیده قامت را
کرد چون بته جقه ای ترسیم
تا بگوید به چشم بینایی
عشق چیزی نبود جز تسلیم

سوزن و زن که بخیه زدند
آسمان را به پولک خورشید
حرفشان در زبان نمی گنجید
حرفشان را به چشم باید دید



نیم نگاهی به روز ملی فرش دستباف
(۲۰ خرداد)

دار قالی شعر



سید ابوالفضل فخار، گرگان

وقتی دارفانی را
وداع گفتیم
جز دارقالی شعر
از ما باقی نخواهد ماند
دار قالی
دار باقی ست

پس بیا
یک در میان هم شده
شعرهایمان را
ببافیم!
بگذاریم
تا به بافته هایمان
احترام بگذارند!

اهمیت کار همین جاست
همین جا
جا دارد
که

کلماتمان را
بر گنجه ها
مثل نظامی گنجه ای
بگنجلیم
بگذار لیلی با گیسوان سیاهش
قالی بختش را
با امیدی سفید

ببافد
و مجنون
هر روز صبح
روی ریگ بیابان
لیلی اش را
نقاشی کند

و باد با کمال بی خیالی
خیال نقش بسته مجنون را
پاک کند
باد خیره سر

پاک
حواسش
به
خیال خیال این صحراگرد دیوانه و
بی پناه نباشد

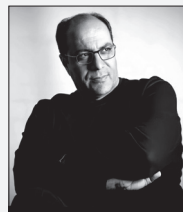
و پایش را
روی تابلوهای خاکی مجنون بگذارد
دار فانی
دار قالی

دار و درخت
چوبه دار
(آیا من بلدانم)!!
دارکوبها

روی چوبه دار
کلمه عشق را
کنده کاری می کنند؟

*اصطلاحی رایج در بین طبری زبان های قدیم

غزلی تازه از حسین ضمیری، گرگان



خدا چه ریخته به جز شراب، در خمیر
چشم تو؟
که من، بدون جنگ تن به تن، شدم اسیر
چشم تو
برای من که در برابر تو کور می شوم، بگن
چه رازهاست در پیام چشمک اخیر
چشم تو؟

نسیم دیلن تو می وزد، کجا؟ چگونه؟
کی؟ بدان
که چشم من، ابوالهولی نشسته در مسیر
چشم تو
شبیه آن لبی که زیر لب، به انتظار
بوسه هاست

نشسته صدهزار چشم خیره، سر به زیر
چشم
گمان نمی کنم گذر کند مسافر نگاه من
بدون اشک، یا بدون آه از کویر چشم تو
هبوط می کنم، دوبار دیگر از بهشت تا
بهشت!!

اگر که لحظه ای بیفتد آخرش حریر
چشم تو

غزلی تازه از محسن خسروی کتولی



نخواه اصلا از این عشق پاک دم بزنم
اگر چه با تو نشد لحظه ای قدم بزنم

خدا نخواست که من لحظه های شیرینی
برای خود به تماشای تو رقم بزنم

نشد که حرف دلم را شبیه آن چیزی
که در خیال خودم با تو می زنم، بزنم
زمانه خواست که من قصر آرزوها را
بنا نکرده خرابش کنم، بهم بزنم

زمان نداد زبان وا کنم به من حتی
و حرف با تو در آن وقت مغتنم بزنم

چقدر سخت گرفته خدا به ما دو نفر
نشد که دست به دست تو دست کم بزنم
۱۴۰۵/۳/۱۵

چند شعر زینب فیروزنیا، گرگان



(۱)
در سایه های سیمین هر غروب
وقتی که امید دیدارت
پنهانی به خوابم آمده است
رسمان های رنگی زندگی را
دنبال می کنم
از پنج دری به اتاق های تو در تو
بوی خوش سوزاندن کندر
لسپند
چشمانم را که می بندم
به تو می رسانم
به تو که دیگر نخواهم دید

(۱)
تشنه بودم
سیراب نگاهت شده ام
روزها باطل شد

(۲)
اذان نزدیک است
تشنه ام بیا
می خواهم افطار کنم
با شربت نگاهت

(۳)
دیدم ماه را
میان چشمانش
روزه بر نگاهم
حرام است حرام

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

(۴)
دو سنگ میان چشمانت
کجا را نشانه گرفت؟
که دل کاغذی ام
در حسرت شیشه ای ترین دیوارها سوخت
با نگاهت برشی زدی و
آن گوشه شکست
آن گوشه ای خوشبخت
با شکستن چه حال و احوالی می کرد
دل بیچاره ام
در گوشه ای چشم تو نشست
دو سپیدار کاغذی
که از این بست نگاهت روید
کلام آسمانی ترین سنگ را
به آغوش کشید؟
که دل خاکی ام
در این بازی شکست
هر دو سنگ، هر دو کاغذ، هر دو قیچی

سهم چشمان تو و سهم من
این دل ویران خاکی
هر چه بادا باد
بیا، بیا بازی
سنگ، کاغذی، قیچی...

دو شعر سعید ابوطالبی، شاهرود



(۱)
در سایه های سیمین هر غروب
وقتی که امید دیدارت
پنهانی به خوابم آمده است
رسمان های رنگی زندگی را
دنبال می کنم
از پنج دری به اتاق های تو در تو
بوی خوش سوزاندن کندر
لسپند
چشمانم را که می بندم
به تو می رسانم
به تو که دیگر نخواهم دید

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است

(۲)
همچون برف، بردبار
برای آمدن
اما
شتاب زده در رفتن بود
و سوزشی که از نبودنش
در سینه ام
حس می کنم هنوز
داغ نیست
که بسیار سرد است



صرفه جویی یک تصمیم ساده برای حفظ آینده

وقتی یک کودک یاد بگیرد که بعد از خروج از اتاق چراغ را خاموش کند یا آب را بی دلیل باز نگذارد، این رفتار به مرور به یک عادت تبدیل می شود. جالب تر اینکه همین کودکان می توانند روی رفتار والدین هم تأثیر بگذارند.

رسانه ها چه نقشی دارند؟

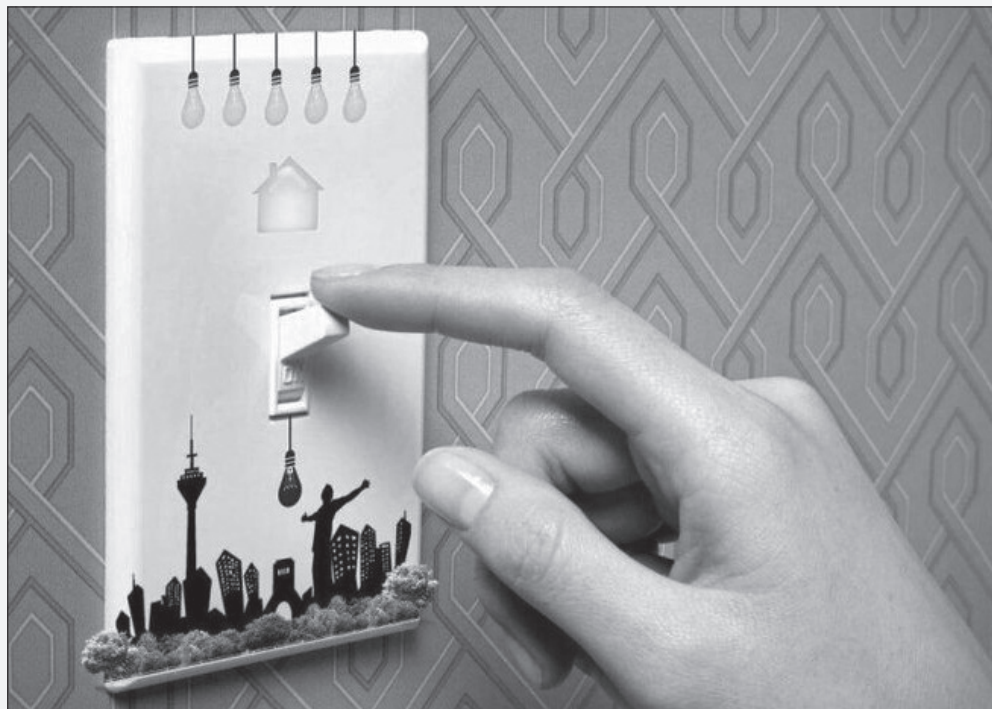
رسانه ها می توانند این موضوع را از یک توصیه خشک، به یک دغدغه عمومی تبدیل کنند. وقتی درباره هدررفت منابع با مثال های واقعی صحبت شود، مردم بهتر موضوع را درک می کنند. برای مثال، اگر گفته شود «برای تولید یک قرص نان چه مقدار آب مصرف می شود» یا «چقدر انرژی با خاموش کردن وسایل اضافی ذخیره می شود»، این اطلاعات ملموس تر و اثرگذارتر خواهد بود.

اگر همکاری نکنیم چه می شود؟

اگر مصرف به همین شکل ادامه پیدا کند، فشار بر منابع بیشتر می شود. این موضوع می تواند در آینده به شکل افزایش هزینه ها، محدودیت در خدمات یا حتی کمبود برخی منابع خودش را نشان دهد. اما در مقابل، اگر مصرف مدیریت شود، منابع بیشتری برای توسعه، بهبود خدمات و رفاه عمومی باقی می ماند. این یعنی یک انتخاب ساده امروز، می تواند روی کیفیت زندگی فردا تأثیر بگذارد. یک تغییر کوچک، یک نتیجه بزرگ شاید هیچ کس به تنهایی نتواند همه مشکلات را حل کند اما هر فرد می تواند بخشی از راه حل باشد. صرفه جویی از تصمیم های کوچک شروع می شود اما وقتی این تصمیم ها در کنار هم قرار می گیرند، به یک تغییر بزرگ تبدیل می شوند.

وقتی «من» به «ما» تبدیل می شود

صرفه جویی زمانی معنا پیدا می کند که از یک توصیه فردی به یک رفتار جمعی تبدیل شود. این اتفاق هم فقط با مشارکت مردم ممکن است. هر کدام از ما، در خانه، محل کار و زندگی روزمره خود می توانیم نقش داشته باشیم. در نهایت، مدیریت مصرف فقط به نفع کشور نیست، به نفع جیب، آرامش و آینده خود ماست. همین امروز با یک تغییر کوچک می توان شروع کرد.



صرفه جویی فقط یک توصیه تکراری یا شعار اقتصادی نیست؛

بلکه نوعی نگاه درست به زندگی و مصرف است

کند که رفتار او مهم است، جریان بزرگی شکل می گیرد. مثلاً اگر هر خانواده فقط ۱۰ درصد در مصرف آب صرفه جویی کند، در سطح یک شهر، این عدد بسیار قابل توجه خواهد شد.

تجربه ای که همه دیده ایم

تقریباً همه ما تجربه قبض های سنگین آب یا برق را داشته ایم. معمولاً بعد از دیدن این قبض ها، برای مدتی مصرف را کنترل می کنیم. چراغ های اضافی را خاموش می کنیم یا مصرف آب را کمتر می کنیم. نتیجه هم خیلی زود مشخص می شود، هزینه ها کاهش پیدا می کند. این تجربه ساده نشان می دهد که تغییر رفتار، واقعاً اثر دارد. حالا اگر این تغییر به صورت دائمی دربیاید، نه تنها به اقتصاد خانواده کمک می کند، بلکه به حفظ منابع کشور هم منجر می شود.

بچه ها، شروع یک تغییر بزرگ

یکی از بهترین راه ها برای جا انداختن فرهنگ صرفه جویی، شروع از کودکان است. بچه ها خیلی سریع یاد می گیرند و رفتارهای جدید را راحت تر می پذیرند.

صرفه جویی یعنی محروم شدن؟

یکی از برداشت های اشتباه این است که صرفه جویی یعنی سخت زندگی کردن یا محروم شدن از امکانات. در حالی که واقعیت برعکس است. صرفه جویی یعنی استفاده هوشمندانه از امکانات، نه حذف آن ها. برای مثال، استفاده از لامپ های کم مصرف، تنظیم دمای مناسب برای وسایل گرمایشی و سرمایشی یا استفاده به موقع از وسایل خانگی، نه تنها کیفیت زندگی را کاهش نمی دهد، بلکه باعث کاهش هزینه ها هم می شود. در واقع، صرفه جویی نوعی مدیریت بهتر زندگی است.

نقش مردم، مهم تر از هر تصمیمی

حتی اگر بهترین قوانین و برنامه ها برای کاهش مصرف تدوین شود، بدون همراهی مردم نتیجه ای نخواهد داشت. چون در نهایت این مردم هستند که شیر آب را باز می کنند، برق مصرف می کنند و خرید روزانه انجام می دهند. وقتی هر فرد احساس

چیز مهمی به نظر نرسد اما وقتی همین رفتار در میلیون ها خانه تکرار شود، به مصرف عظیم انرژی تبدیل می شود. صرفه جویی دقیقاً از همین جا شروع می شود، از تصمیم های کوچک روزانه. خاموش کردن یک لامپ، بستن شیر آب هنگام مسواک زدن یا کمتر کردن دورریز غذا، شاید ساده باشد. اما همین کارهای کوچک اگر به عادت تبدیل شوند، اثر بزرگی خواهند داشت.

نان دورریز، نمونه ای از هدررفت پنهان

یکی از ملموس ترین مثال ها، دورریز نان است. در بسیاری از خانه ها نان بیشتر از نیاز خریداری می شود و بخشی از آن خشک یا دور ریخته می شود. این در حالی است که برای تولید همین نان، آب، گندم، انرژی و نیروی انسانی مصرف شده است. اگر هر خانواده فقط به اندازه نیاز خرید کند یا روش نگهداری بهتری داشته باشد، حجم زیادی از این هدررفت کاهش پیدا می کند. این یعنی صرفه جویی، فقط کم مصرف کردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است.

وقتی چراغ اضافه روشن می ماند

تصور کنید در یک خانه، چند چراغ بدون استفاده روشن مانده، تلویزیون بی دلیل کار می کند و شارژرها در پرز رها شده اند. شاید در نگاه اول این ها